

جزوه جامع آزمون های

EPT و MSRT

گرامر

و

درک مطلب

نوشته : محمد حاجیلری

مدرس زبان تخصصی IELTS - EPT - MSRT

# فصل 1

## افعال

ساختار جمله ی خبری در زبان انگلیسی: مفعول + فعل + فاعل

ساختار جمله سوالی در زبان انگلیسی: مفعول + فاعل + فعل

افعال در زبان انگلیسی به چندین گروه تقسیم میشوند که هر گروه ویژگی خاص خود را دارد.

**فاعل:** انجام دهنده فعل است و میتوان در جمله فاعل را با ضمیر فاعلی مناسبش جایگزین کرد.  
مثال:

My brother: He                      My friends: They

Sophia: She                              Table: it

که جلوتر در فصل ضمائر به آن خواهیم پرداخت.

**افعال:** سه گروه اصلی افعال که در آزمون های EPT و MSRT به آنها توجه میشود عبارتند از:

افعال to be – افعال اصلی – افعال modal – افعال کمکی

**فعل to be:** این دسته شامل افعالی است که در مورد بودن یا نبودن حرف میزنند و با قرار دادن not بعد از آن منفی میشوند و عبارتند از: am – is – are و گذشته ی آن ها یعنی were – was.

I am = I am not

You are = You are not

He is = He is not

She is = She is not

It is = It is not

We are = We are not

You are = You are not

They are = They are not

برای سوالی کردن این افعال جای فعل و فاعل را عوض میکنیم.

**افعال اصلی:** این افعال در واقع بر عمل انجام ده در جمله دلالت میکنند. به عبارت دیگر برای هر عملی یک فعل اصلی وجود دارد.

مثال:

GO – SLEEP – WATCH – LISTEN – TRAVEL ...

برای منفی کردن این افعال نیاز به یک فعل کمکی منفی ( don't / doesn't ) داریم که قبل از افعال اصلی قرار میگیرند. فعل کمکی doesn't برای متفی کردن آن دسته از افعال اصلی به کار میرود که فاعل آن ها سوم شخص باشد ( he / she / it / Ali / Shima / My friend ) و در غیر این صورت از don't استفاده میکنیم.

مثال:

I play volleyball / I don't play volleyball.

You watch TV / You don't watch TV.

He writes homework / He doesn't write homework.

She read a book / She doesn't read a book.

My home has two doors / My home doesn't have two doors.

We sleep at 10 o'clock / .....

You walk in the park / .....

They speak English / .....

**نکته:** تمامی افعال اصلی زمانی که با فاعل سوم شخص بکار روند و زمان جمله حال ساده باشد (s/es) سوم شخص میپذیرند.

**نکته:** زمانی که فعل با doesn't منفی شده باشد دیگر پذیرای s/es سوم شخص نیست.

برای سوالی کردن افعال اصلی نمیتوان آن ها را همانند افعال tobe در ابتدا نوشت بلکه سر جای خود باقی میمانند و افعال کمکی Do ( فاعل غیر سوم شخص) و Does (فاعل سوم شخص) را در ابتدا مینویسیم.

You watch TV. → Do you watch TV?

She reads a book. → Does she read a book?

**نکته:** اگر در سوال does و در جمله منفی doesn't وجود داشت فعل به هیچ عنوان s/es سوم شخص نمیپذیرد.

**افعال modal:** عبارتند از:

can / could

will / would

must / had to

shall / should

may / might

بعد از افعال modal فعل اصلی همیشه بصورت ساده می آید.

I can play violin.

She would go to London.

You must visit the doctor.

برای منفی کردن این افعال همانند افعال to be، not اضافه میکنیم.

**افعال کمکی:** این افعال شامل do/does/did و have/has/had میشوند که برای منفی سازی سوالی کردن افعال اصلی و have/has/had برای ساختن زمان حال کامل-حال کامل استمراری-گذشته کامل-گذشته کامل استمراری و همچنین منفی و سوالی کردن این زمان ها استفاده میشوند. به علاوه افعال کمکی با اضافه کردن not منفی میشوند.

**نکته:** افعال کمکی have/has/had میتوانند بعنوان فعل اصلی در جمله نیز به کار روند که در آن صورت از قوانین افعال اصلی برای منفی و سوالی شدن پیروی میکنند.

## فصل 2

### زمان ها

به طور کلی دوازده زمان برای افعال در زبان انگلیسی وجود دارد که برای آزمون های EPT و MSRT دانشتین فرمول آن ها و نحوی سوالی و منفی کردن هر زمان کفایت میکند.

فعل ساده+فاعل

حال ساده:

I play

You play

He plays

She plays

It plays

We play

You play

They play

یادآوری: میدانید که فعل اصلی در زمان حال ساده به همراه فاعل سوم شخص s/es میپذیرد. برای منفی کردن از don't / doesn't و برای سوالی کردن نیز Do/Does را در ابتدا مینویسیم.

علامت حال ساده: این کلمات معمولاً با زمان حال ساده بکار میروند.

sometimes-usually-always-rarely-often-seldom-never-generally-occasionally-hardly-barely.

به کلمات بالا قید تکرار میگویند که قبل از فعل اصلی و بعد از فاعل می آیند.

I rarely watch TV.

نکته طلایی: اگر در جمله فعل modal داشتیم، این قید ها بین فعل modal و فعل اصلی می آیند.

I can never swim.

نکته: قید تکرار sometimes میتواند در ابتدا، قبل از فعل و انتهای جمله هم بیاید.

Sometimes I watch movies.

I sometimes watch movies.

I watch movies sometimes.

علامت دیگر حال ساده قید های زمان هستند:

every night-every day-every week- every ....

once a week-twice a week

نکته: کلمه every به معنای ( هر ) میباشد و با هر ظرف زمانی ای ممکن است بیاید.

حالت استمراری: فعل یدار + am/is/are + فاعل

I am playing                      We .....

You are playing                    You .....

He is playing                      They .....

She .....

It .....

برای سوالی کردن این زمان، جای فعل to be را با فاعل تغییر میدهم.

He is playing. → IS he playing?

They are playing. → Are they playing?

برای منفی کردن نیز بعد از افعال to be کلمه not اضافه میکنیم.

He isn't playing.

They aren't playing.

علامت حال استمراری:

now-right now-at the moment-at present-at the time being

مثال:

We are cleaning our house now.

At present, they are listening to music.

Reza is swimming in the pool right now.

حال کامل: (p.p) اسم مفعول + have/has + فاعل

I have played                      We .....

You have played                  You .....

He has played                    They .....

She has played

It has played

برای سوالی کردن حال کامل کافیسیت جای have/has را با فاعل عوض کنیم و برای سوالی کردن نیز کافیسیت افعال کمکی have/has را ابتدا نوشته و سپس فاعل بیاوریم.

He hasn't bought a car.

Has he bought a car?

برای ساختن اسم مفعول (p.p) فعل اصلی، باید بدانید که افعال اصلی بر دو دسته اند:

1. با قاعده      2. بی قاعده

افعال اصلی با قاعده با اضافه کردن -ed تبدیل به گذشته ساده و اسم مفعول میشوند.

play → played

افعال اصلی بی قاعده اما قاعده ای ندارند و باید با توجه به لیست آن ها در انتهای جزوه، اسم مفعولشان را حفظ کنید.

go → went

علامت زمان حال کامل:

since-already-just-yet-so far-never-ever-recently-lately

مثال:

She has won the game recently.

I haven't played a piano yet.

حال کامل استمراری: فعل ing دار + have/has + been + فاعل

I have been playing                      We .....

You have been playing                    You .....

He has been playing                      They .....

She has been playing

It has been playing

علامت حال کامل استمراری:

before-never-ever-so far- up to now- recently-lately

نکته: اکثر علامات این زمان مشابه حال کامل است.

گذشته ساده: فعل گذشته + فاعل

نکته: مجدداً برای تشخیص حالت گذشته افعال اصلی باید بی قاعده یا باقاعده بودن آن را از لیست انتهای جزوه تشخیص دهید.

مثال افعال با قاعده:

work → worked                      arrive → arrived

live → lived                              walk → walked

مثال افعال بی قاعده:

sleep → slept                      see → saw

go → went                              rise → rose

پس در نتیجه برای گذشته کردن افعال اصلی داریم:

با قاعده: فعل ساده + ed/d

بی قاعده: از آخر جزوه حفظ شود.

گذشته ساده



برای منفی کردن گذشته ساده قبا از فعل اصلی didn't اضافه میکنیم و خود فعل اصلی را به حالت حال ساده برمیگردانیم.

I threw the ball → I didn't throw the ball.

They changed their planes → They didn't change their planes.

**تذکر:** به یاد داشته باشید که در صورتی که فاعل در جمله ی گذشته ی ساده سوم شخص باشد، به هیچ وجه به فعل اصلی s/es سوم شخص نمیدهیم.

He helps the dog → He helped the dog.

برای سوالی کردن نیز کافیسست فعل کمکی Did را در ابتدا بیآوریم و فعل را به حالت حال ساده برگردانیم.

They called him. → Did they call him?

**نکته طلایی:** میتوان نتیجه گرفت هرگاه افعال کمکی do/does/did در جمله بود، فعل اصلی حال ساده می آید.

**علامت گذشته ساده:**

ago-last-yesterday

مثال:

We posted the letters yesterday.

Ali fixed his car two days ago.

**گذشته استمراری:** فعل ing دار + was/were + فاعل

I was playing                      We .....

You were playing                You .....

He was playing                    They .....

She was playing

It was playing

برای منفی کردن بعد از فعل to be، not اضافه میکنیم و برای سوالی کردن فعل to be را در ابتدا مینویسیم.

**علامت گذشته استمراری:** سه علامت مهم دارد:

as-when-while

مثال:

When I arrived at school, they were talking to the teacher.

I was studying English while my phone rang.

نکته طلایی: معمولا به همراه جمله گذشته استمراری، یک جمله گذشته ساده می آید.

She came here while I ..... (sleep)

As he was talking to the phone, I ..... him. (see)

**نکته طلایی:**

گذشته استمراری + گذشته ساده + When

گذشته ساده + گذشته استمراری + While

گذشته ساده + when + گذشته استمراری

گذشته استمراری + while + گذشته ساده

**(p.p) اسم مفعول + had + فاعل**

**گذشته کامل:**

I had played

We .....

You had played

You .....

He had played

They .....

She had played

It had played

برای منفی کردن فعل گذشته کامل، به فعل کمکی had، not اضافه میکنیم و برای سوالی کردن had را در ابتدای جمله مینویسیم.

**علامت گذشته کامل:**

before-after

**نکته طلایی:** همانند گذشته استمراری، با گذشته ی کامل هم معمولاً یک جمله گذشته ساده می آید.

They had sold the car before the told me.

**گذشته کامل استمراری: فعل ing دار + had + been + فاعل**

I had been playing                      We .....

You had been playing                    You .....

He had been playing                    They .....

She had been playing

It had been playing

**علامت گذشته کامل استمراری:**

1. این زمان نیز میتواند ب یک جمله گذشته کامل به کار رود.

2. در این زمان ( زمان + for ) را میتوان دید.

I had been writing for three hours.

3. از قید های زمانی before,after نیز استفاده میشود.

برای منفی شازی این زمان کافیسست بعد از فعل کمکی had، not اضافه کنیم و برای سوالی کردن had را در ابتدا مینویسیم.

آینده ساده: فعل ساده + will + فاعل

I will play      We .....

You will play    You .....

He will play      They .....

She will play

It will play

**نکته طلایی:** میدانید که بعد از افعال modal فعل به شکل مطلقا ساده بود و از آنجایی که will فعل modal است فعل بعد از آن به شکل ساده می آید.

He comes → He will come.

برای منفی کردن آینده ساده به فعل مودال will، not اضافه میکنیم (will not) که مخفف آن به شکل won't خواهد بود و برای سوالی کردن فعل will را در ابتدا مینویسیم.

علامت آینده ساده:

(زمان + next -later- soon -tomorrow)

مثال:

We will call you tomorrow.

She won't go to school next Monday.

آینده استمراری: فعل ing دار + will + be + فاعل

در آینده استمراری دیده میشوند.

by  
before  
in + زمان

قید آینده

I will be studying Ph.D. by next week.

I will be visiting my father in three hours.

**نکته:** قید زمان آینده در آینده استمراری میتواند در ابتدای جمله نیز به کار رود.

آینده کامل: اسم مفعول + will + have + فاعل (p.p)

یکی از مهمترین علائم زمان آینده کامل حرف اضافه ی by میباشد که در ابتدا یا انتهای جمله همراه با یک قید زمان آینده به کار میرود.

It will have done by next week.

آینده کامل استمراری: فعل ing دار + will + have + been + فاعل

همانند آینده کامل، در آینده کامل استمراری نیز حرف اضافه ی by در ابتدا یا انتهای جمله همراه با یک قید زمان آینده بکار میرود.

**نکته:** (طول زمان + for) در آخر جمله نیز نشانه دیگر این زمان است.

**نکته:** نحوه منفی کردن و سوالی کردن تمامی زمان های آینده همانند آینده ساده است

# فصل 3

## افعال خاص

طبق قانون افعال خاص، هرگاه دو فعل اصلی در کنار هم قرار گیرند، فعل اصلی دوم فارغ از زمان جمله، با یکی از سه حالت زیر ظاهر میشود.

1. ing دار      2. ساده      3. مصدر با to

دسته اول: فعل پس از آن ing دار می آید:

Avoid	Risk	Keep	Find
Admit	Suggest	Look forward to	Finish
Appreciate	Smell	Mind	Imagine
Consider	Spend	Practice	
Dislike	Stop	Enjoy	

نکته طلایی: بعد از حروف اضافه نیز (به جز to) فعل به صورت ing دار می آید.

حروف اضافه مهم عبارتند از:

in – of – on – at – for – by – with – without – before – after – than

نکته: با اینکه فعل look forward to حرف اضافه ی to تمام میشود اما استثناء فعل اصلی بعد از آن ing دار می آید.

دسته دوم: فعل پس از آن ساده می آید:

Listen	Let
Feel	Make
See	Would rather
Hear	Had better
Watch	Notice

**نکته:** افعال دسته دوم خود به دو گروه تقسیم میشوند. افعال ستون سمت چپ را افعال حسی مینامیم. دقت کنید فعل اصلی بعد از افعال حسی میتواند هم ساده و هم ing دار بیاید.

I saw him drive his car.

I saw him driving his car.

**نکته:** اگر فعل make مجهول شود، فعل پس از آن به شکل مصدر با to می آید. برای تشخیص مجهول بودن آن میتوان به سادگی بررسی کرد که اگر بعد از فعل مفعول باشد (مثال اول) فعل مجهول نیست و فعل بعد از آن ساده خواهد بود. اما اگر بعد از آن فعل دیگری بود (هر دو فعل پشت سر هم) فعل make مجهول است و فعل اصلی به شکل مصدر با to خواهد بود.

1. He made us go.

2. He was made to go.

**دسته سوم:** تمامی افعالی که در دسته دوم و سوم جای ندارند، در دسته ی سوم هستند که تعداد آن ها بسیار زیاد است و فعل پس از آن ها به شکل مصدر با to خواهد بود.

**نکته طلایی:** پس از فعل help، فعل بعدی میتواند هم ساده هم مصدر با to باشد.

I helped him to get up.

I helped him getting up.

**نکته طلایی:** بعد از فعل begin، فعل بعدی میتواند هم ing دار و هم مصدر با to باشد.

I began to study French.

I began studying French.



# فصل 4

## I wish

عبارت I wish به معنای << ای کاش >> می باشد و به شرطی که بعد از I wish فاعل باشد، فعل بعد از آن به سه زمان می آید.

I wish + فاعل + {  
گذشته ساده  
گذشته کامل  
فعل ساده + would

اگر در جمله I wish از قید های گذشته before-ago-last-yesterday یا earlier و یا فعل گذشته ساده استفاده شود، باید زمان گذشته کامل بیاید.

I wish I had called her yesterday.

She was late. I wish I had called her.

**تذکر:** اگر بعد از I wish فاعلی نبود، دیگر از قوانین بالا پیروی نمیکنند و فعل پس از I wish به شکل مصدر با to می آید چون wish جزو افعال دسته سوم است.

**نکته مهم:** اگر در جمله ای که I wish در آن وجود دارد، قید آینده باشد، در این صورت فعل به صورت فعل ساده + would خواهد بود.

I wish you would fix your car soon.

قید آینده نیز میتواند وجود نداشته باشد، که در این صورت این جمله اشاره به آرزویی دارد که در حال حاضر محقق نشده.

مثال:

I wish you would stop smoking.

سیگار کشیدن منو اذیت میکنه و ای کاش سیگار نکشی.

اگر هیچکدام از شروط بالا نبود، فعل به صورت گذشته ساده می آید.

I wish I spoke in English.

# فصل 5

## ضمایر

ضمیر کلمه ای است که به جای اسم می آید و از تکرار اسم جلوگیری میکند.  
**ضمایر فاعلی:** به جای فاعل در جمله قرار میگیرند.

Ali speaks Spanish. **He** is a student.

ضمایر فاعلی عبارتند از:

I – you – he – she – it – we – you – they

موارد استفاده:

1. قبل از فعل

2. وقتی فاعل دو جمله باهم مقایسه میشوند: I drive better than she does.

3. بعد از فعل to be در سوال: IS he happy?

4. بعد از افعال کمکی در سوال: Do you live in Tehran?

**ضمایر مفعولی:** به جای مفعول در جمله قرار میگیرند.

me – you – him – her – it – us – you – them

I love my wife. → I love her.

موارد استفاده:

1. بعد از فعل

2. بعد از حرف اضافه I go to school.

3. مقایسه مفعول دو جمله It's better for him than me.

صفات ملکی: برای نشان دادن مالکیت اسم بعد از خود بکار میروند.

my book      his book      its book      your book

your book      her book      our book      their book

نکته طلایی: بعد از صفات ملکی حتما اسم داریم: اسم + صفت ملکی

ضمایر ملکی: این ضمایر بجای ( اسم + صفت ملکی ) قرار میگیرند.

mine – yours – his – hers – its – ours – yours – theirs

مثال:

This is my pen.

This is mine.

ضمایر انعکاسی:

myself      himself      itself      yourselves

yourself      herself      ourselves      themselves

موارد استفاده:

1. بعد از فعل: I see myself

2. بعد از مفعول: You can't do it yourself (بدون حرف اضافه)

3. (با حرف اضافه) They buy a house for themselves

3. بعد از فاعل برای تاکید بیشتر بر روی فاعل: She herself ran away

نکته طلایی: ضمیر انعکاسی حتما با فاعل مطابقت دارد.

تذکر: با حرف اضافه with ضمیر انعکاسی نمی آید و به جای آن ضمیر مفعولی می آید.

I will take my bag with me.

ضمیر انعکاسی	ضمیر ملکی	صفت ملکی	ضمیر مفعولی	ضمیر فاعلی
Myself	Mine	My	Me	I
Yourself	Yours	Your	You	You
Himself	His	His	Him	He
Herself	Hers	Her	Her	She
Itself	Its	Its	It	It
Ourselves	Ours	Our	We	We
Yourselves	Yours	Your	Us	You
Themselves	Theirs	Their	Them	they

ضمایر موصولی: این ضمایر برای اتصال دو جمله بکار میروند و عبارتند از:

who /that → (فاعل) کسی که

whom → (مفعول) کسی که

whose → (مالکیت) کسی که

which / that → (حیوان/گیاه/اشیا) چیزی که

where → (مکان) جایی که

when → (زمان) وقتی که

نکته طلایی: ضمایر موصولی مربوط به انسان را با فرمول های زیر حفظ کنید.

The man who lives here is my brother. → فعل + who + فاعل

The girl whom I saw yesterday is here. → فعل + whom + فاعل

I know someone whose sister is a nurse. → اسم + whose + فاعل

## حذف ضمیر موصولی (مهم):

ضمیر موصولی را میتوان از جمله حذف کرد. برای این کار هم خود ضمیر موصولی و هم مشتقات to (am-is-are-was-were) be همگی حذف میشوند.

معلوم 1. { I know the boy who is running away.  
I know the boy running away.

مجهول 2. { I didn't know the boy who was killed.  
I didn't know the boy killed.

مثال 1: اگر جمله معلوم باشد، پس از حذف ضمیر موصولی فعل به حالت ing دار در می آید.

مثال 2: اگر جمله مجهول باشد، پس از حذف ضمیر موصولی فعل به حالت (p.p) اسم مفعول در می آید.

گاهی اوقات در جملات معلوم فقط ضمیر موصولی وجود دارد و خبری از فعل to be نیست. در این حالت ضمیر موصولی را حذف کرده و به فعل ing میدهیم.

All over the world, there are people who pollute the nature.

All over the world, there are people polluting the nature.

# فصل 6

## صفت و قید

**صفت:** اسم بعد از خودش را توصیف میکند.

tall tree – big garden

اگر قبل از اسم چندین صفت قرار گیرد، به ترتیب زیر خواهند بود:

اسم + جنس + ملیت + رنگ + سن + اندازه + کیفیت + تعداد

I bought a .....

a) beautiful cotton red shirt

c) cotton beautiful red shirt

b) red cotton beautiful shirt

d) beautiful red cotton shirt

صفت ها بر چهار دسته اند: 1. ساده 2. برتر 3. برترین 4. تساوی

**صفت ساده:** هیچ حالت مقایسه ای ندارد.

**صفت برتر:** در مقایسه ی بین دو چیز یا دو شخص --> احمد از من چاق تر است.

برای ساخت صفت برتر از صفت یک بخش باشد داریم:

آیتم 2 + **er + than** + صفت + **to be** + آیتم 1

He is taller than me.

و اگر صفت بیشتر ز یک بخش باشد داریم:

آیتم 2 + **more/less** + صفت + **than** + آیتم 1

My home is more expensive than his home.

طرز تشخیص: کلمه than به معنای ( از ) وجه تشخیص صفت برتر است.

برای تاکید بر روی صفت برتر از کلمه much استفاده میشود.

He's much taller than me.

**صفت برترین:** برای مقایسه ی یک شخص یا یک چیز با چند شخص یا چند چیز بکار میرود.

او چاق ترین دانش آموز کلاس است.

برای ساخت صفات برترین، اگر صفت یک بخش باشد داریم:

**صفت + est + the + to be + آیتم**

He is the fattest student in class.

و اگر صفت بیش از یک بخش بود داریم:

**صفت + most/least + the + to be + آیتم**

This house is the most expensive house in the city.

نکته: توجه کنید در هر دو حالت برای ساخت صفت برترین کلمه the ضروری است.

**صفت تساوی:** صفتی است که دو شخص یا دو چیز را از نظر صفت مورد نظر در یک سطح بیان میکند.

برای ساخت صفت تساوی، فارغ از تعداد بخش های صفت، داریم:

**آیتم 1 + as + صفت + as + آیتم 2**

She is as thin as her sister.

I am as rich as my father.

**تذکر:** اگر جمله منفی شود، به جای as اثل میتوان از هم استفاده کرد.



## نکات مهم:

1. کلمه more بیانگر زیادی صفت برتر و less بیانگر کمی صفت برتر چند بخشی است.
2. ترکیب the most بیانگر زیادی صفت برترین و the least بیانگر کمی صفت برترین است.
3. برای بیان افزایش و کاهش متقابل، از صفات برتر با فرمول زیر استفاده میکنیم:

..... صفت برتر + the + , ..... صفت برتر + the

The faster you drive, the sooner you arrive.

**قید ها و صفت های بی قاعده:** گروهی از صفت ها و قید ها وجود دارند که در حالت برتر و برترین از قواعد گفته شده پیروی نمیکنند.

صفت/قید	برتر	برترین
Good	better	The best
Well	Better	The best
Bad	Worse	The worst
Badly	Worse	The worst
Little	Less	The least
Many	More	The most
Much	More	The most
Far	Farther	The farthest
Old	Older	The eldest
late	Later	The last

**قید:** کلمه یا عبارتی است که فعل را توصیف میکند. هرگاه به آخر صفتی (ly) اضافه کنیم تبدیل به قید (حالت) خواهد شد.

**قید → ly + صفت**

**نکته:** دو کلمه lovely و friendly صفت هستند نه قید.

قید ها دارای چند گروه اند:

- |                        |   |
|------------------------|---|
| slowly, quickly ....   | 1. قید حالت: بیانگر حالت انجام فعل است: |
| now, this evening .... | 2. قید زمان: بیانگر زمان انجام فعل است: |
| home, in the park .... | 3. قید مکان: بیانگر مکان انجام فعل است: |

ترتیب قید ها به گونه زیر است:

**قید زمان + قید مکان + قید حالت**

He drives slowly on the street every morning.

**قید های تکرار:**

always-often-usually-sometimes-hardly ever-rarely-never

**یاد آوری:** قید های تکرار میتوانند قبل از فعل اصلی، بعد از فعل to be و بعد از فعل کمکی بیایند.

He never plays badly.

He is never bad.

He will never play badly.

**نکته طلایی:** در مقایسه ی بین صفت و قید باید گفت که اگر در جمله فعل to be دیدیم باید از صفت و اگر فعل اصلی دیدیم باید از قید استفاده کنیم.

He is a good boy. (صفت)

He studies well. (قید)

استثنا:

صفت

good خوب → well به خوبی

fast سریع → fast به سرعت

hard سخت → hard به سختی

↙  
hardly با بدبختی - با زحمت

**نکته:** کلمه hard (قید) بعد از فعل اصلی به کار رفته و معمولاً بین فعل و فاعل است.

فاعل + فعل + hard → I work hard

فاعل + hardly + فعل → I hardly work

**قید برتر:** به سوال زیر دقت کنید:

He works ..... than I do.

a) slower                      c) more slower

b) slowly                        d) more slowly

در این جمله از آنجایی که فعل اصلی وجود دارد میفهمیم که باید قید به کار ببریم و از آن جایی هم که than میبینیم میفهمیم که باید قید برتر به کار ببریم. پس پاسخ گزینه d است. به این قید، قید برتر میگوییم.

I am ..... than you are.

a) careful                      b) carefully                      c) more careful                      d) more carefully

از آن جایی که در جمله فعل to be قرار دارد میفهمیم که باید از صفت استفاده کنیم و از آن جایی هم که than میبینیم میفهمیم که باید از صفت برتر استفاده کنیم. پس گزینه c صحیح است.

قید + the + most/least + آیتم

قید برترین:

دقت کنید:

She plays ..... of all.

- a) more beautiful                      c) the most beautiful  
b) more beautifully                    d) the most beautifully

در اینجا چون فعل اصلی وجود دارد میفهمیم که باید از قید استفاده کنیم. علاوه بر این با توجه به عبارت of all به معنای ( در میان همه ) میفهمیم که باید از قید برترین استفاده کنیم. پس گزینه d صحیح است.

as + صفت ساده (to be) + as

قید تساوی:

as + (فعل اصلی) قید ساده + as

He drives as slowly as I do. قید

He is as tall as I am. صفت

# فصل 7

## حرف ربط

حرف ربط معمولاً برای برقراری ارتباط میان دو جمله و گاهی اوقات نیز برای جلوگیری از تکرار یک جمله به کار میروند که عبارتند از:

and – or – but – yet – so

از so برای نتیجه گیری استفاده میشود.

Tom is sad, but Paul is happy.

I love apple and pear.

You can have the blue shirt or the black shirt.

It was a heavy rain, so we stayed at home.

در جمله ی "آن ها به مدرسه میروند و من هم همینطور" عبارت "من هم همینطور" را در انگلیسی میتوان با حروف ربط بیان کرد تا از تکرار جمله ی دوم "و من هم به مدرسه مروم" جلوگیری کرد.

1. They go to school and so do I.  
I do too.

2. He is upset and so am I.  
I am too.

مثال 1: اگر بعد از فاعل اول فعل اصلی باشد، از فرمول

"فاعل + do/does + too" یا "and so + do/does + فاعل"

استفاده میکنیم.

مثال 2: اگر بعد از فاعل اول فعل to be باشد، از فرمول

"فاعل + am/is/are + too" یا "and so + am/is/are + فاعل"

استفاده میکنیم.

We saw them and { so did she.  
she did too.

She was going to park and { so was he.  
he was too.

دقت کنید که زمان عبارت ربطی باید مطابق با جمله اول باشد.

They can't come here and { neither can he.  
he can't either.

You don't look tired and { neither do I.  
I don't either.

نکته: به همراه neither فعل مثبت و با either فعل منفی است.

بطور کلی در این بخش چهار حالت داریم:

مثبت { 1- and so+ فعل کمکی مثبت  
2- and Too+ فعل کمکی مثبت + فاعل  
3- and neither+ فعل کمکی مثبت

منفی 4- and Either+ فعل کمکی منفی + فاعل

حروف ربط در عبارات قیدی: در اینجا به چهار نمونه حرف ربط در عبارات قیدی اشاره گردیده که عبارتند از:

When - since - as - whether.... or

1. when: به معنی وقتی که میباشد:

When you sleep, your body becomes relax.

2. since: به معنی زیرا یا چونکه میباشد و هم معنی because. ( البته به معنی "از زمان" هم هست. )

نکته: اگر since در ابتدای جمله بکار رود و پس از این کلمه فاعل قرار گیرد به معنای چونکه می باشد ولی اگر در انتهای جمله قرار گیرد و پس از آن قید زمان به کار رود (since last year) به معنای "از زمان" می باشد.

3. as: دارای چهار نقش است:

الف) زمان: به معنای وقتی که و هم معنی when

I saw her as I entered the class.

ب) دلیل: به معنای چونکه و زیرا و هم معنی because و since

I took my umbrella as it was raining.

ج) نسبت: به معنای همانگونه که یا همانطور که

As people get older, they get weaker.

د) مقایسه: در حالت صفت تساوی و قید تساوی

He is as clever as I am.

تذکر: کلمه as میتواند به معنی "به عنوان" هم به کار رود.

As a boss, I lead my company.

4. whether .... or: معمولاً با هم به کار میروند و به معنای "چه-چه". به این معنا که هیچ کدام از احتمالات بیان شده اهمیت ندارد و نتیجه یکسان خواهد بود.

They will get married soon whether their parents approve or not.

تضاد: برای بیان تضاد با عبارات قیدی از حروف ربط تضادی استفاده میکنیم.

while, whereas

به معنای با این حال و با وجود این هستند و تضادی واضح و بدیهی را نشان میدهند.

Some people are active, while some others are lazy.

Social media is beneficial, whereas it can be harmful.

برای بیان تضاد همچنین از قید های تضادی زیر نیز استفاده میشود:

although – though – even though

Although he loves pizza, he doesn't eat it.

The new iPhone was too expensive, though I bought it.

### افعال زنجیره ای:

افعال زنجیره ای خود فعل اصلی اند، یعنی قاعدهتاً باید پس از آنها قید قرار گیرد ولی این افعال نقشی همانند دارند. بنابراین پس از افعال زنجیره ای به هیچ وجه قید قرار نمی گیرد و باید پس از آنها از صفت to be مشتقات استفاده نمود.



افعال زنجیره ای مهم عبارتند از:

Taste مزه دادن

look به نظر رسیدن

appear ظاهر شدن

seem به نظر رسیدن

smell بودادن

feel احساس کردن

become شدن

I don't feel good.

The food tastes awesome.

She looks gorgeous.

## فصل 8

# اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش

اسم: اسم کلمه ای است که برای نامیدن انسان یا حیوان یا گیاه و.. بکار برده می شود

اسامی مفرد و جمع:

اسامی درحالت کلی شامل اسامی قابل شمارش و غیرقابل شمارش هستند

اسامی قابل شمارش: همانگونه که از اسمش پیداست قابل شمارش هستند و می توانیم آنها را بشماریم.  
(s/es جمع میگیرند)

اسامی غیر قابل شمارش: نمیتوانیم آن ها را بشماریم و s/es جمع نمیپذیرند. همچنین قبل از آن ها نمیتوانیم a/an بیاوریم.

بعضی از اسمها بی قاعده هستند و در شکل جمع s/es نمیگیرند. عبارتند از:

مفرد	جمع
Man	men
Woman	women
Child	children
Foot	feet
Tooth	teeth
Fish	fish
Mouse	mice

**اسامی مرکب :** متشکل از دو اسم است که تشکیل یک کلمه میدهند.

در این حالت اسم اول حکم صفت را برای اسم دوم دارد و برای جمع بستن اسم مرکب، اسم دوم را جمع میندیم چرا که اسم اول صفت بوده و صفت هیچ گاه جمع بسته نمیشود.

sun flower → sun flowers

brain cell → brain cells

firefighter → firefighters

coffee shop → coffee shops

# فصل 9

## کمیت نما ها

در هر دو آزمون EPT و MSRT از کمیت نما ها همیشه سوال آمده است.  
کمیت نما کلمه یا گروهی از کلمات است که کمیت اسم بعد از خود را نشان میدهد.

کمیت نما هایی که با هر گروه از اسامی به کار میروند عبارتند از:

1. تنها با اسامی جمع قابل شمارش:

both – many – a few of – few –several

2. تنها با اسامی مفرد قابل شمارش:

another – each – every

3. تنها با اسامی غیر قابل شمارش:

a little – much – less

4. هم اسامی قابل شمارش و هم غیر قابل شمارش:

all – a lot of – lots of – plenty of –some – enough – any – most

**نکته:** کلمه پول (money) به تنهایی غیر قابل شمارش است بلکه این واحد پول است که قابل شمارش است.

**نکته:**

Hundreds of  
thousands of  
Millions of  
Trillions of

} اسم جمع +

نکته:

اسامی قابل شمارش	many	تعداد زیادی	اسامی غیر قابل شمارش	much	مقدار زیادی
	a few	تعدادی		a little	مقداری
	few	تعداد کمی		little	مقدار کمی
	some	تعدادی		some	مقداری
	a lot of	تعداد زیادی		a lot of	مقدار زیادی

نکته: بعد از کلمه only اگر کمیت نمای few (ق.ش) و little (غ.ق.ش) بکار روند، به شکل a few و a little خواهند بود.

I have only a few titles of books.

There's only a little coffee remaining.

اشتباهات رایج مربوط به اسامی: (خیلی مهم)

1. اسامی غیر قابل شمارش شکل جمع ندارند ولی در تست ها به غلط جمع بسته می شوند.
2. تطابق نداشتن فاعل با فعل از لحاظ مفرد و جمع بودن یا بالعکس.
3. در اسامی مرکب صفت جمع بسته نمی شود.

نکته: همیشه بعد از make کمیت نمای a/an می آید مگر یک استثنا:

Make a mistake

Make a profit

Make a prediction

Make a difference

Make a suggestion

\* Make use of

Make a comparison

Make an investment

Make a discovery

Make an offer

**نکته:** بعد از do، a/an نمی آید مگر در چهار حالت:

do one's duty

1- do an assignment

do homework

2- do a service

do wrong

3- do a kindness

do business

4- do a favour

do work

do damage

do wonder

### **a و an:**

به معنای یک عدد میباشند و قبل از اسامی مفرد قابل شمارش می آیند. اگر اسم مفرد بعد از a با یکی از حروف (a-i-o-u-e) آغاز شود، به جای a از an استفاده میشود.

### **حرف تعریف the:**

the قبل از اسامی (چه مفرد و چه جمع، چه قابل شمارش و چه غیرقابل شمارش) بکار می رود که برای شنونده یا مخاطب آشنا باشد.

موارد استفاده:

1. وقتی آن اسم در دنیا فقط یکی است: The sun

2. برای ابزار و آلات موسیقی: The piano

3. گیاهان، حیوانات، اجزای بدن: The cat – The tree

4. صفات برترین: The biggest

5. دهه ها و قرن ها: The 1800s – the 21<sup>st</sup> century

6. قبل از عبارات مکانی و زمانی:

the top the bottom the morning the evening the present the past

the north the south the west the east .7. جهت های اصلی:

the first the second the third the forth .8. قبل از اعداد ترتیبی:

the world war II The Badr war .9. اسم جنگ ها:

# فصل 10

## جمله واره

جمله واره مجموعه کلماتی است که دارای فعل و فاعل است و بر سه گروه اند:

1. جمله واره اسمی 2. جمله واره صفتی 3. جمله واره قیدی

### مشخصات جمله واره:

1. به تنهایی مفهوم کامل ندارد و نیازمند یک جمله مستقل است.
2. اگر به تنهایی به کار رود به نقطه ختم نمیشود.
3. نقش های مختلفی (اسم، قید، صفت) را میپذیرد.

### جمله واره اسمی:

جمله واره اسمی علاوه بر سه ویژگی بالا نقش اسم را ایفا میکند. یعنی هر نقشی که اسم دارد اعم از فاعل، مفعول و ... را میتواند داشته باشد.

**نکته طلایی:** در جملاتی که جمله واره در آن استفاده شده است، اگر در جمله دو فعل داشته باشیم نیاز به یک ارتباط دهنده داریم و اگر سه فعل داشته باشیم نیاز به دو ارتباط دهنده داریم و به همین ترتیب ادامه خواهد داشت. به عبارتی تعداد ارتباط دهنده یکی کمتر از تعداد افعال در جمله است.

ارتباط دهنده ها عبارتند از:

when – what – where – why – how – whatever – wherever – whenever – that is –  
whether

این ارتباط دهنده ها نیاز به فعل و فاعل دارند، اما گروهی از ارتباط دهنده ها خود نقش فاعل را ایفا میکنند و فقط نیاز به فعل خواهند داشت. این گروه شامل موارد زیر است:



who/whoever    what/whatever    which/whichever

به این معنا که پس از این ارتباط دهنده ها فاعل نیاز نیست و مستقیماً فعل می آید.

**نکته:** ارتباط دهنده ی that نیاز به فاعل دارد.

I'm concerned about when he will arrive.

Ali is a student who is really intelligent.

**نکته:** ارتباط دهنده هر جایی از جمله میتواند ظاهر شود.

When he will arrive is not important.

**نکته:** اگر در هر دو جمله، فاعل یکی باشد، میتوان فقط یک فاعل داشت.

Tehran is the city where is really crowded.

دقت کنید:

It's only the last two years ..... have begun climbing mountains.

a) because people                      c) that people

b) people                                      d) as people

**جمله وارہ قیدی:** این جمله وارہ تنها نقش قید را میپذیرد.

انواع نقش قید عبارت است از:

1. قید حالت    2. قید مکان    3. قید زمان    4. قید تضاد    5. قید علت    6. قید نتیجه    7. قید شرط

جمله وارہ های قیدی نیز به تنهایی معنای کاملی نداشته و نیازمند یک جمله مستقل اند.

I will call Ahmad before you go.

جمله وارہ قیدی (زمان)    جمله مستقل

I can't play soccer anymore because I got injured last year.

جمله وارہ قیدی (علت)    جمله مستقل

ارتباط دهنده هایی که برای هر نقش جمله واره قیدی بکار میروند عبارتند از:

مکان	حالت	تضاد	شرط	علت	زمان
where	As	although	If	As	By the time
wherever	As if	though	In case	Because	Once
	As though	Even though	Provided that	since	Since
		While	unless		while
		Whereas			When
		In spite of			Whenever
		despite			after
					Before
					until
					As soon as
					As long as
					as

پاسخ دهید:

..... you come, you'll be welcome.

- a) You will                      c) Whenever  
b) You                                d) Whenever you

از آنجایی که دو فعل داریم پس به ارتباط دهنده نیاز داریم. همچنین از آنجایی که ارتباط دهنده ی whenever نیاز به فاعل پس از خودش دارد پس گزینه d صحیح است.

### جمله وارہ قیدی کوتاه شدہ:

میتوان جمله وارہ های قیدی را کوتاه تر کرد کہ در هر دو آزمون زیاد سوال میشود.

مراحل کوتاه کردن جمله وارہ قیدی:

1. ارتباط دهنده را حذف میکنیم.

2. فاعل بعد از ارتباط دهنده را حذف میکنیم.

3. اگر بعد از فاعل فعل to be داشتیم آن را حذف میکنیم.

3. فعل جمله وارہ قیدی را ابتدا به حالت ساده درآورده و سپس به آن ing میدهیم.

While I was doing my homework, my phone rang.

While doing my homework, my phone rang.

Although he was feeling unwell, he took part in meeting.

Although feeling unwell, he took part in meeting.

**نکته طلایی:** تنها زمانی میتوان جمله وارہ قیدی را کوتاه کنیم کہ فاعلش با فاعل جمله مستقل یکی باشد.

He was running away because police was chasing him.

غیر ممکن

**جمله وارہ صفتی:** این جمله وارہ پس از اسم می آید و اسم ماقبل خود را توصیف میکند. جایگاه جمله وارہ صفتی عبارت است از:

جمله وارہ صفتی + اسم

فعل + جمله وارہ صفتی + فاعل

جمله وارہ صفتی + مفعول + فاعل

ارتباط دهنده ها در جمله واره صفتی عبارتند از:

who - whom – whose – which – that

**نکته طلایی:** بهترین روش برای تشخیص جمله واره صفتی، اسم ماقبل آن است.

The woman who is talking to the phone is my wife.

میدانیم که:

who/that → انسان فاعل

whom → انسان مفعول

whose → مالکیت انسان

which/that → اشیا، حیوان، گیاه

The woman who wears black is my friend.

The boy whom I talked about is here.

The girl whose dress is red is my sister.

The dog which is barking is mine.

The tree which is located in the garden is Bamboo.

**جمله واره صفتی کوتاه شده:**

جمله واره صفتی را نیز میتوان کوتاه تر کرد که مراحل آن عبارت است از:

1. ارتباط دهنده را حذف میکنیم. (در جمله واره قیدی نمیتوان ارتباط دهنده را حذف کرد)

2. اگر فعل to be داشتیم آن را حذف میکنیم.

3. فعل اصلی را به حالت ساده درآورده و بعد به آن ing میدهیم.

The man who wears black is my friend.

The man wearing black is my friend.

**نکته طلایی:** اگر فاعل جمله واره صفتی و جمله مستقل یکی نباشد نمیتوان آن را کوتاه کرد.

The letter which you sent me arrived yesterday.

غير ممكن

# فصل 11

## وارونگی

وارونگی به معنی قرارگیری فعل قبل از فاعل است که تحت شرایط زیر انجام میشود:

1. در سوالات بله و خیر یا سوالاتی که کلمات سوالی زیر را دارند:

what – where- when –who – whose- which – why –how

It is a car.

Is it a car?

What is it? / Where is it?

نکته: دقت کنید که کلمات سوالی جزو ارتباط دهنده ها نیز هستند و در آن صورت وارونگی اتفاق نمی افتد. چرا که سوالی وجود ندارد و فقط دو جمله را به هم ربط میدهند.

2. به واسطه منفی سازها:

neither – nor – seldom – not – never –only – hardly – barely – scarcely

Never has Ali taken a taxi.

Not once did I miss a phone call.

Hardly ever does he take some time off.

3. به واسطه جملات شرطی: در جملات شرطی ای که فعل کمکی آن ها had, should, were باشد و ارتباط دهنده شرطی آن ها if باشد، وارونه سازی شکل میگیرد و if نیز حذف میشود.

If he had taken more time, the results would have been better.

Had he taken more time, the results would have been better.

**نکته:** در وارونه سازی اگر غیر از فعل اصلی، فعل کمکی وجود داشته باشد، باید فعل کمکی را ابتدا قرار داد اما اگر جز فعل اصلی، فعل دیگری نبود یکی از افعال کمکی do,does,did را در ابتدا قرار میدهیم.

4. به واسطه مقایسه:

1. My dad sleeps more than my mom.
2. My dad sleeps more than my mom does.
3. My dad sleeps more than my mom does my mom.

وارونه سازی در مثال 3 انجام شده است یعنی جای فعل و فاعل عوض شده است.

# فصل 12

## بدل

بدل توضیح اضافه در جمله است که معمولا فاعل جمله را توصیف میکند. حذف بدل از جمله هیچ تغییر مهمی در معنای جمله ایجاد نمیکند و صرفا برای ارائه اطلاعات بیشتر است.

ویژگی های بدل:

1. میتواند هر اسمی را توضیح دهد.
2. بدل خود در جمله نقشی ندارد.
3. بدل میتواند قبل یا بعد اسمی که توضیح میدهد قرار گیرد.
4. بدل معمولا بعد از اسمی قرار میگیرد که آن را توضیح میدهد.
5. بدل معمولا فاعل را توصیف میکند.
6. اگر وسط جمله به کار رود بین دو , (کاما) قرار میگیرد که وجه تشخیص آن است.

بصورت کلی داریم:

... + فعل , بدل , فاعل

... + فعل + فاعل , بدل

مفعول , بدل , فعل + فاعل

بدل , مفعول + فعل + فاعل

**نکته:** جنس بدل باید از جنس اسمی باشد که آن را توضیح میدهد. اگر فاعل انسان است و بدل فاعل را توضیح میدهد، باید در مورد همان فاعل انسان توضیح دهد نه اسم دیگری که مثلا شیء است.

Sally, the red hair girl, is the best student in the class.

..... , George, is attending the lecture.

- |              |                        |
|--------------|------------------------|
| a) Right now | c) Because of the time |
| b) Happily   | d) My friend           |



# فصل 13

## ساختار موازی

بسیاری از جملات ممکن است اطلاعاتی را به صورت لیست وار ارائه دهند که قطعا بیش از یک مورد است. در این حالت طبق قانون ساختار موازی همه موارد لیست شده باید از نظر ساختار گرامری یکی و از یک جنس باشند. این قانون ساختار موازی یا parallel structure نامیده میشود.

این قانون در برگزیده حالات زیر است:

1. اسامی

I love apples, bananas, carrots, and grapes.

2. قید ها

It can be produced naturally and artificially.

3. صفت ها

He is tall, intelligent, and brainy.

4. فعل ها

It prevents heart diseases, speeds wound healing, and helps brain's functionality.

5. عبارات

It can be bought in form of crystal or in form of liquid.

6. مصدر

We tend to earn more and to live more.

7. اسم مصدر (ing)

Doing exercises and listening to music relieves the level of stress.

# فصل 14

## مجهول

جملاتی که از قانون زمانها پیرو می کنند دو حالت دارند: معلوم و مجهول.

**جملات معلوم:** جملاتی هستند که دارای فاعل مشخصی می باشند مانند: من ماشین را شستم.

**جملات مجهول:** جملاتی هستند که دارای فاعل مشخصی نیستند یا فاعل آن ها غیر انسان است. مانند: ماشین شسته شد. / درخت توسط باد کنده شد.

**طرز تبدیل جملات معلوم به مجهول:**

زمانهای حال ساده و گذشته ساده

1. فاعل و فعل و مفعول را جدا می کنیم.

2. مفعول را در ابتدای جمله جدید می نویسیم.

3. با توجه به زمان فعل، از یکی از افعال to be استفاده میکنیم. (اگر حال ساده بود am/is/are و اگر گذشته ساده بود was/were).

4. اسم مفعول (p.p) فعل اصلی را می نویسیم.

They clean the house.

They write two books.

The house is cleaned.

Two books are written.

He watched the movie.

They mailed the letters.

The movie was watched.

The letters were mailed.

بنابراین:

→ حال ساده مجهول am/is/are + p.p

→ گذشته ساده مجهول was/were + p.p

زمان های حال کامل(ماضی نقلی) و گذشته کامل (ماضی بعید)

1. فاعل و فعل و مفعول را جدا می کنیم .
2. مفعول را در ابتدای جمله جدید می نویسیم.
3. در زمان حال کامل بعد از مفعول have/has و در گذشته کامل had می آوریم.
4. بعد از have/has/had فعل been اضافه میکنیم.
5. سپس اسم مفعول فعل اصلی (p.p) را مینویسیم.

They have cleaned the house.

They have written two books.

The house has been cleaned.

Two books have been written.

He had watched the movie.

They had mailed the letters.

The movie had been watched.

The letters had been mailed.

بنابراین:

have/has + been + p.p → مجهول حال کامل

had + been + p.p → مجهول گذاشته گامل

مجهول آینده و افعال کمکی

1. فاعل و فعل و مفعول را جدا می کنیم.
2. مفعول را در ابتدای جمله جدید می نویسیم.
3. هر فعل کمکی که در جمله اصلی وجود داشته باشد را مینویسیم.
4. بعد از فعل کمکی be مینویسیم.
5. سپس اسم مفعول فعل اصلی (p.p) را مینویسیم.

They will clean the house.

The house will be cleaned.

We can speak English here.

English can be spoken here.

She will buy the car.

The car will be bought.

They should write two books.

Two books should be written.

بنابراین:

مجهول آینده → will + be + p.p

**نکته طلایی:** میتوان فاعل را نیز در جملات مجهول بکار برد که در آن صورت بعد از حرف اضافه by می آید. حرف اضافه by علامت فعل مجهول میباشد.

# فصل 15

## افعال دو کلمه ای

این افعال از دو قیمت تشکیل شده اند که قسمت اول یک فعل اصلی و قسمت دوم یک حرف اضافه است. این افعال به دو گروه تقسیم می گردند:

1. **افعال جدا شدنی:** افعالی را گویند که بین دو قسمت آنها می تواند ضمیر مفعولی و یا اسم قرار گیرد.
2. **افعال جدا نشدنی:** افعالی را گویند که بین دو قسمت آنها نه ضمیر مفعولی و نه اسم می تواند قرار گیرد.

معمولاً اگر فعلی جزء دومش یکی از کلمات زیر باشد آن فعل جدا نشدنی است .

For – of – to – at – in – about – with – after

**نکته:** اگر فاعل سوم شخص بود، در زمان حال ساده، باید به قسمت اول فعل دو کلمه ای s/es سوم شخص اضافه کرد چرا که حرف اضافه s/es نمیپذیرد.

# فصل 16

## جملات شرطی

هرگاه انجام کاری مشروط به وقوع عمل دیگری باشد به آن جمله شرطی می گویند.

هر جمله شرطی از دو قسمت تشکیل می شوند:

1. جمله شرطی، که دارای کلمه if میباشد.

2. نتیجه شرط، که یک جمله مستقل است.

**نکته:** معمولاً ابتدا قسمت شرط را مینویسند در این صورت وجود , (کاما) بین دو قسمت ضروری میباشد ولی اگر اول قسمت نتیجه و بعد قسمت شرط نوشته شود , (کاما) لازم نیست.

جملات شرطی دارای سه نوع اند:

آینده ساده / حال ساده + If → شرطی نوع اول

فعل ساده + would / گذشته ساده + If → شرطی نوع دوم

اسم مفعول + would + have / گذشته کامل + If → شرطی نوع سوم

**نکته:** در قسمت نتیجه شرط میتوان به جای فعل کمکی would از افعال کمکی دیگر نظیر can, could, may, might, must نیز استفاده کرد.

**نکته:** در شرطی نوع اول نتیجه شرط میتواند جمله ی امری باشد.

If you are a mechanic, fix my car.

**نکته مهم:** در جملات شرطی معمولاً به جای was از were استفاده میشود.

If I were you, I would study abroad.

## فصل 17

# very – so – such – too – enough

فرمول های زیر را برای کاربرد این کلمات حفظ کنید:

مصدر یا to + صفت + too

قید

جمله کامل + صفت + that + so

قید

جمله کامل + صفت + that + اسم + such

مصدر یا to + صفت + enough

قید

صفت + very

قید

**very:** پس از این کلمه صفت یا قید قرار می گیرد و معمولاً جمله خاتمه می یابد. در مورد very هرگز نتیجه گیری وجود ندارد.

This car is very fast.

Khalifa tower is very high.

He walks very slowly.

## مصدر با to + صفت + too

### قید

کلمه too میتواند به جای very قرار گیرد اما شدت بیشتری را بیان میکند و معمولاً با صفت یا قید هایی بکار میرود که مفهوم منفی دارند.

He's too tired.

اگر بعد از too صفت قرار گیرد و بعد از آن فعلی به صورت مصدر با to بکار رود، آنقدر معنا تشدید میشود که جمله حالت منفی به خود میگیرد.

He's too tired to work.

I am too poor to buy a house.

ممکن است فرمول به صورت زیر تغییر کند. در این حالت معمولاً جمله با شیء شروع می گردد.

مصدر با to + صفت + for + مفعول

### قید

This box is too big for you to pick up.

## جمله کامل + صفت + so

### قید

پس از so صفت یا قید می آید و بعد از that جمله ی کامل قرار میگیرد.  
به تبدیل too به so در این جمله دقت کنید:

He is too old to work.

He is so old that he can't work.



تفاوت این دو جمله در این است که جمله اول ظاهراً مثبت است اما معنای منفی دارد، اما جمله دوم هم از نظر ظاهری و هم از نظر معنایی منفی است.

He is so tired that he can't play → He is too tired to play.

Such  
Such a  
Such an

} That + اسم + صفت

همانطور که میبینید بعد از such یک صفت قرار گرفته و بعد از صفت یک اسم داریم. that نیز معمولاً به همراه such موجود است.

### تفاوت so و such:

اگر قبل از that یک کلمه قرار گیرد، از so و اگر گروهی از کلمات بود از such استفاده میکنیم.

تذکر:

I bought .....house that everyone gets surprised while knowing it.

a) so            b) such            c) such a            d) such an

میبینید که در این جمله قبل از that یک کلمه بکار رفته است. پس پاسخ باید so باشد اما غلط است. دقت کنید اگر کلمه ای که قبل از that وجود دارد صفت یا قید باشد آنگاه میتوان از so استفاده کرد. اما در این مثال کلمه قبل از that یک اسم است پس باید از such a استفاده کنیم.

**نکته مهم:** دقت کنید که سه کلمه hour, honor, honest با h شروع میشوند اما این حرف ناخواناست و اولین حرف خوانای آن ها یک حرف صدا دار است. به این معنا که با آن ها such a بکار نمیروند و باید از such an استفاده کرد.

## مصدر با to+enough+ صفت

### قید

بعد از enough مصدر با to قرار میگیرد و تنها تفاوت آن با too در این است که صفت یا قید بعد از too اما قبل از enough نوشته میشود.

## مصدر با to+ صفت+ too

### قید

دقت کنید:

He isn't rich enough to buy a Mercedes Benz.

He is too poor to buy a Mercedes Benz.

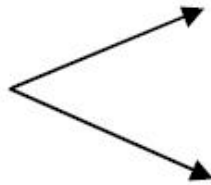
معمولا:

فعل جمله منفی



Enough

فعل جمله مثبت



Too

Enough

اما خیلی از مواقع نیز با افعال مثبت enough به کار میرود که در این حالت تنها معنی جمله به ما کمک میکند که too یا enough استفاده کنیم.

I am ..... to lift this box.

a) too strong      b) strong enough

## مصدر با to + اسم + enough

تذکر: همچنین با enough اسم هم به کار می‌رود که در این حالت اسم بعد از enough قرار می‌گیرد.

I have enough money to help you.

## :Some-any

some به معنای تعدادی یا مقداری است و در جملات مثبت به کار می‌رود.  
any به معنای هیچ یا هر است و بجای some در جملات منفی و سوالی به کار می‌رود.

There is some water in the bottle.

There isn't any water in the bottle.

Is there any water in the bottle?

# فصل 18

## سایر موارد

### :no-any

no در جملات با فعل مثبت به کار میرود و any در جملات با فعل منفی. از نظر معنی هر دو به معنای هیچ هستند.

I have no money.

I don't have any money.

There isn't any book on the desk.

There's no book on the desk.

### :Have to, Has to, Had to

این سه کلمه جزء افعال کمکی اند بنابراین پس از آنها فعل به صورت ساده نوشته می شود و به معنی مجبور بودن می باشند.  
تنها تفاوتی که این سه کلمه با افعال کمکی دیگر دارد در این است که این سه کلمه را نمی توان در جمله به وسیله خودشان سوالی یا منفی کرد. برای این کار از کلمات do / does / did استفاده میکنیم.

They have to come. → Do they have to come?

He has to come. → Does he have to come?

We had to come. → Did you have to come?

### :used to

برای بیان عادت یا کار یا حالتی که در گذشته انجام می شد ولی در حال حاضر انجام نمی شود.  
I used to go jogging every morning.

نکته: این عبارت همیشه مربوط به گذشته است پس برای سوالی یا منفی کردن آن همیشه از مشتقات فعل کمکی did استفاده میشود. در این حالت d آخر used to حذف میشود.

Did you use to go jogging every morning?

:Must have p.p - May/Might have p.p - Could have p.p - Should have p.p

به این مثالها دقت شود:

He should help you.

He should have helped you yesterday.

تنها تفاوت این دو جمله در این است که در جمله دوم یک قید گذشته وجود دارد. در حالت عادی پس از افعال کمکی فعل به صورت ساده نوشته میشود ( جمله اول) اما اگر در جمله فعل یا قید گذشته ای وجود داشته باشد یا جمله به زمان گذشته دلالت کند فرمول به صورت زیر تغییر می کند.

have + p.p + فعل کمکی

حال باید دبه معانی مختلف این جملات به خوبی دقت کنید:

Should have P.P: بیانگر کاری است که باید انجام می شده ولی انجام نشده

Shouldn't have P.P: بیانگر کاری است که نباید انجام می شده ولی انجام شده

Could have P.P: بیانگر کاری است که می توانسته انجام گیرد ولی انجام نگرفته

Might have P.P: بیانگر کاری است که احتمال دارد انجام گرفته یا نگرفته باشد.

Must have P.P: بیانگر کاری است که باید انجام می شده و حتماً هم انجام شده است.

**prefer ترجیح دادن:**

بعد از I prefer یا هر فاعل دیگر، یا اسم می آید و یا فعل izing.

I prefer beef to fish.

I prefer reading book.

**نکته:** در سوالاتی که با .... prefer + فاعل + Would شروع میشوند، مصدر با to می آید.

Would you prefer pizza or salad?

Would you prefer to take a taxi or walk?

**نکته:** بعد از would rather + فاعل، مصدر بدون to می آید.

I'd rather stay at home.

## Had better بهتر بودن:

بعد از had better فعل مصدر بدون to خواهد بود.

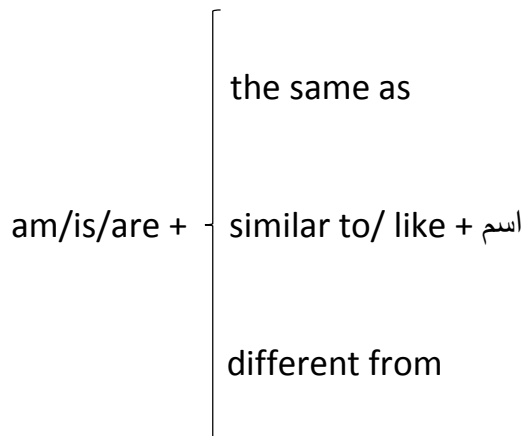
You had better (not) visit the doctor.

## to be + familiar with آشنا بودن:

نکته: همیشه بعد از familiar حرف اضافه with می آید.

## قیاس اسامی:

ترکیبات زیر برای مقایسه یک یا چند اسم بکار می روند و تشابه یا تفاوت آنان را می رسانند.



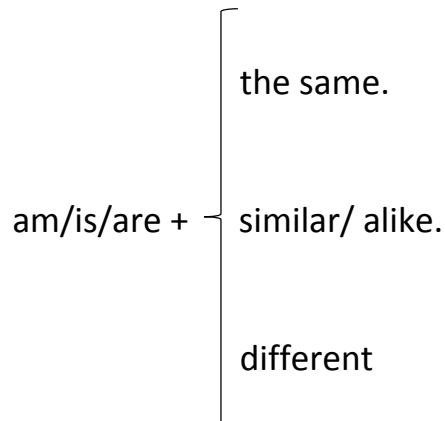
The chair is the same as that chair

Your bag is similar to/like my bag.

Your shirt is different from mine.

تذکر: همیشه بعد از different حرف اضافه from می آید.

ترکیبات بالا معمولا در وسط جمله بکار میروند، اما ترکیبات زیر معمولا آخر جمله.



These chairs are the same.

Our bags are similar /alike.

Our shirts are different.

### **:like, alike, unlike**

**:like, unlike** like مفهوم تشابه و unlike عدم تشابه را می‌رساند.

**:unlike** میتواند صفت و هم قید باشد که در حالت قید به معنای "برعکس" و در حالت صفت به معنای "بی شباهت" است.

Unlike European, Iranians are more hospitable.

He's unlike his brother.

**نکته:** توجه کنید که alike صفتی است که بعد از فعل to be بکار می‌رود و اصلا قبل از اسم به کار نمی‌رود.

Both Reza and Yousef are alike.

Radon like radium is radioactive.

### **:other, the other, others**

**:another** به معنای یکی دیگر میباشد و بعد از آن اسم مفرد می آید.

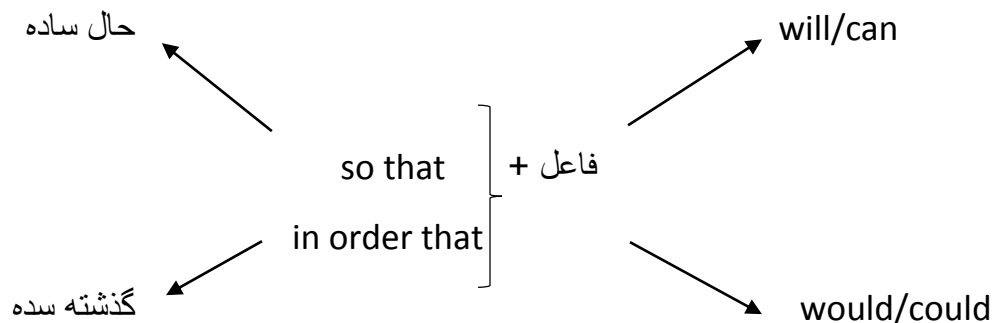
**:the other** به معنای دیگری میباشد و بعد از آن هم اسم مفرد می آید.

**:other** به معنای دیگر میباشد و بعد از آن اسم جمع می آید.

### **:so that, in order that**

این دو عبارت به معنای به طوری که یا تا اینکه هستند و بعد از آن ها حتما باید جمله کامل باشد. یعنی حتما دارای فاعل باشد و بعد از آن فعل کمکی can/will می آید.

جملاتی که در دو طرف این عبارات وجود دارند باید از نظر زمانی با هم مطابق باشند. به فرمول زیر توجه کنید.



I go home so that I can visit him.

I went home so that I could visit him.

**:in order to, so as to, to**



این عبارات به معنی به منظور اینکه و تا اینکه هستند. نکته مهم در مورد این عبارات این است که بعد از آن ها همیشه به شکل ساده می آید.

پس به طور کلی میتوان گفت:

So That

+ فاعل

In Order that

In Order to

to

+ فعل

So as to

درک مطلب

# راهکار های درک مطلب

سوالات بخش درک مطلب به چند دسته تقسیم میشوند:

- \* سوالاتی که در رابطه با ایده و مفهوم اصلی متن سوال می کنند
- \* سوالاتی که پاسخ آن ها به طور مستقیم در متن بیان شده است
- \* سوالاتی که پاسخ آن ها به صورت غیرمستقیم در متن بیان شده است و برای پاسخگویی به آن ها باید از اطلاعات داخل متن نتیجه گیری کنیم.
- \* سوالاتی که در رابطه با لغات داخل متن سوال میکنند.
- \* سوالات کلی در رابطه متن

## بنابراین برای پاسخ دادن صحیح به سوالات بخش درک مطلب به موارد زیر توجه کنید:

1. قبل از هر چیز سعی کنید خود سوال و گزینه های آن را بدقت بخوانید نه اینکه ابتدا متن و بعد سوالات خوانده شود.
2. بدلیل کم بود وقت نمیتوان دقیقا متن را خواند و از طرفی بدون مطالعه کامل متن ها نیز می توان کاملا به سوالات پاسخ داد.
3. سعی کنید به دنبال کلمات کلیدی در سوالات و گزینه ها باشید و نگران نباشید زیرا به اندازه کافی اطلاعات در متن وجود دارد.
4. سوالاتی که دارای گزینه های طولانی میباشند و یا سوالاتی که دارای جواب غیرمستقیم میباشند، در صورتی که جواب را پیدا نمیکنید با حدس گزینه پاسخ دهید زیرا وقت شما گرفته خواهد شد.
5. هیچ سوالی نمره منفی ای ندارد بنابراین در پایان هر سوالی را که پاسخ آن را نمی دانستید به صورت حدسی جواب دهید.
6. متن را به صورت گذرا و سطحی بخوانید (به ویژه جملات اول و آخر هر پاراگراف) تا مفهوم اصلی و نکات مهم آن را متوجه شوید (روش skimming تدریس شده در پکیج DVD). برای پاسخ دادن درست به سوالات نیازی به فهمیدن همگی جزئیات نیست و نباید به دنبال فهمیدن جزئیات باشیم.

7. قسمتی از متن را که به هر سوال مربوط است پیدا کنید. ( به روش scanning تدریس شده در پکیج (DVD)

8. برای پاسخگویی به سوالاتی که در رابطه با معنی و مفهوم اصلی متن پرسش می کنند باید به سطرهای اولیه هر پاراگراف توجه کرد.

9. برای پاسخگویی به سوالاتی که پاسخ آن ها به طور مستقیم یا غیر مستقیم در متن آورده شده است باید یک لغت اصلی را در سوال انتخاب کنید و با نگاهی گذرا در متن به دنبال آن لغت یا مشابه آن باشید.

10. برای پاسخگویی به برای پاسخ به سوالاتی که در رابطه با یک ضمیر خاص از شما سوال می نماید خود سوال به شما می گوید که کجای متن آن ضمیر قرار دارد.

11. برای پاسخگویی به سوالات انتقالی به ابتدا یا انتهای متن توجه کنید.

12. برای پاسخگویی به سوالات که در رابطه با معنای لغات سوال می نمایند خود متن به شما خواهد گفت که لغت مورد نظر کجای متن است.

13. برای پاسخگویی به سوالاتی که در رابطه با موضوع متن پرسش می کنند به خط اول پاراگراف توجه نمایید.

14. آن قسمت از متن را که حاوی جواب است به دقت بخوانید. جواب احتمالا در مکانی که قابل پیشبینی است در متن یافت خواهد شد.

15. به یاد داشته باشید که برای پیدا کردن مکان مناسب که پاسخ در آن حا نهفته است الزاما عین کلمات سوال به کار نرفته و از هم معنی ها هم ممکن است استفاده شده باشد.

### **سوالات مرتبط با معنی و مفهوم اصلی متن:**

یک موضوع اصلی که در سوالات این بخش پرسش می شود مفهوم اصلی و کلی متن است. این سوالات در ارتباط با معنی و مفهوم اصلی، عنوان متن یا هدف از ارائه متن را مورد پرسش قرار می دهند. به علاوه ممکن است برخی سوالات راجع به چگونگی شکل گیری اطلاعات متن یا درباره نوع اطلاعاتی که در یکپارگراف یا متن خاص وجود دارد سوال نماید. در این زمینه توجه به مهارتهای زیر ضروری است:

این قبیل سوالات معمولا درباره این موضوع سوال می نماید که نویسنده از طریق متن چه مساله و موضوع اصلی ای را می خواهد بفهماند به عبارت دیگر سوالاتی از قبیل:

\* موضوع و عنوان متن چیست؟

\* ایده اصلی متن چیست؟

\* نقطه نظر اصلی نویسنده در این متن چیست؟

\* بهترین عنوان برای این متن چیست؟

در مسیر پاسخگویی به سوالات فوق باید دانست، از آنجا که کلیه متن ها بر اساس یک روش استاندارد نوشته می شوند همواره با مطالعه جملات اول و آخر هر پاراگراف در هر متن می توان به مفهوم اصلی آن متن پی برد. بنابراین، در چنین سوالاتی ممکن است خواسته شود تا ایده اصلی، ایده اولیه، موضوع، عنوان یا سوژه متن را پیدا کنید.

نکته اولیه و اصلی که مولف و نویسنده سعی در انتقال و فهماندن آن دارد در جمله موضوع یک پاراگراف پیدا می شود که معمولاً در ابتدا و آغاز یک پاراگراف قرار دارد. بنابراین، برای پیدا کردن نظر اصلی یک پاراگراف، جمله اول لازم است بررسی شود. اگر متن شامل بیش از یک پاراگراف باشد، جملات موضوعی هر پاراگراف بایستی یک به یک بررسی شود.

### پاسخ به سوالات مرتبط با جزییات متن:

چنین سوالاتی در رابطه با بخشی از اطلاعات داخل متن سوال می نماید و پاسخ به آن ها دقیقاً در متن آمده است. به نحوی که پاسخ درست بیان مجدد از چیزی است که در داخل متن بدان معناست که پاسخ درست اغلب مفهوم یکسانی را مشابه آنچه در متن بیان شده بیان می کند اما به شکل و ظاهری دیگر. به عبارتی دیگر سوالاتی از قبیل:

\* بر اساس آنچه در متن گفته شد ...؟

\* این متن دلالت بر آن دارد که ....؟

\* کدامیک از جملات زیر در رابطه با متن صحیح است؟

\* طبق متن ....؟

\* در متن بیان شده است ....

\* متن بیان می کند که .....

\* نویسنده بیان می دارد که .....

\* کدامیک از جملات زیر صحیح است .....

همگی با توجه دقیق به این مهارت قابل پاسخگویی خواهند بود.

در مسیر پاسخگویی به سوالات فوق باید دانست که این قبیل سوالات همواره با انتخاب یک لغت کلیدی در متن سوال و سپس با یافتن لغت مورد نظر یا هم معنی آن ها در متن قابل پاسخگویی خواهند بود.

### استفاده از متن برای مشخص کردن معنی لغات ساده:

گاهی معنای یک لغت ساده در متن از ما سوال میشود که با آن به شکل روزمره در ارتباطیم. در این موارد باید دانست که ما نباید معنای معمول، عادی و روزمره لغت مورد نظر را انتخاب کنیم. در عوض یک معنای ثانوی مد نظر است و باید معنای لغت را با توجه به جایگاه آن در جمله مشخص نمود.

یا به عبارتی دیگر، هر گاه از خواننده در مورد معنای یک واژه ساده ای که اغلب در انگلیسی روزمره دیده می شود، سوالی پرسیده شود، نبایستی معنای متداول و روزمره آن واژه را بیان کند، در عوض آزمون های EPT و MSRT درصدد پی بردن به معنای واژه در این موقعیت است.

افعال بی قاعده

abide	abode	abode
arise	arose	arisen
awake	awoke	awoken
be	was/were	been
bear	bore	born
beat	beat	beaten
become	became	become
befall	befell	befallen
beget	begot	begotten
begin	began	begun
behold	beheld	beheld
bend	bent	bent
bereave	bereft	bereft
beseech	besought	besought
beset	beset	beset
bespeak	bespoke	bespoken
bestride	bestrode	bestriden
bet	bet	bet
bid	bade/bid	bidden/bid
bind	bound	bound
bite	bit	bitten
bleed	bled	bled
blow	blew	blown
break	broke	broken
breed	bred	bred
bring	brought	brought
broadcast	broadcast	broadcast
build	built	built
burn	burnt	burnt
burst	burst	burst
buy	bought	bought
can	could	
cast	cast	cast
catch	caught	caught
choose	chose	chosen
cling	clung	clung
come	came	come
cost	cost	cost
creep	crept	crept
cut	cut	cut
deal	dealt	dealt
dig	dug	dug
do	did	done
draw	drew	drawn

dream	dreamt	dreamt
drink	drank	drunk
drive	drove	driven
dwelt	dwelt	dwelt
eat	ate	eaten
interweave	interwove	interwoven
fall	fell	fallen
feed	fed	fed
feel	felt	felt
fight	fought	fought
find	found	found
flee	fled	fled
fling	flung	flung
fly	flew	flown
forbid	forbad(e)	forbidden
forecast	forecast	forecast
forget	forgot	forgotten
forgive	forgave	forgiven
forsake	forsook	forsaken
foresee	foresaw	foreseen
foretell	foretold	foretold
freeze	froze	frozen
get	got	got
give	gave	given
go	went	gone
grind	ground	ground
grow	grew	grown
hang	hung	hung
have	had	had
hear	heard	heard
hide	hid	hidden
hit	hit	hit
hold	held	held
hurt	hurt	hurt
keep	kept	kept
kneel	knelt	knelt
know	knew	known
lay	laid	laid
lead	led	led
lean	leant	leant
leap	leapt	leapt
learn	learnt	learnt
leave	left	left
lend	lent	lent

let	let	let
lie	lay	lain
lose	lost	lost
make	made	made
mean	meant	meant
meet	met	met
pay	paid	paid
mistake	mistook	mistaken
overhear	overheard	overheard
oversleep	overslept	overslept
put	put	put
read	read	read
rend	rent	rent
rid	rid	rid
ride	rode	ridden
ring	rang	rung
rise	rose	risen
run	ran	run
say	said	said
see	saw	seen
seek	sought	sought
sell	sold	sold
send	sent	sent
set	set	set
shake	shook	shaken
shed	shed	shed
shine	shone	shone
shit	shit/shat	shit/shat
shoot	shot	shot
show	showed	shown
shrink	shrank	shrunk
shrive	shrove	shriven
shut	shut	shut
sing	sang	sung
sink	sank	sunk
sit	sat	sat
slay	slew	slain
sleep	slept	slept
slide	slid	slid
sling	slung	slung
slink	slunk	slunk
slit	slit	slit
smell	smelt	smelt
smite	smote	smitten

speak	spoke	spoken
speed	sped	sped
spend	spent	spent
spin	spun	spun
spit	spat	spat
split	split	split
spoil	spoilt	spoilt
spread	spread	spread
spring	sprang	sprung
stand	stood	stood
steal	stole	stolen
stick	stuck	stuck
sting	stung	stung
stink	stank	stunk
stride	strode	stridden
strike	struck	struck
string	strung	strung
strive	strove	striven
swear	swore	sworn
sweep	swept	swept
swim	swam	swum
swing	swung	swung
take	took	taken
teach	taught	taught
tear	tore	torn
tell	told	told
think	thought	thought
throw	threw	thrown
thrust	thrust	thrust
tread	trod	trodden
understand	understood	understood
undertake	undertook	undertaken
undo	undid	undone
upset	upset	upset
wake	woke	woken
wear	wore	worn
weave	wove	woven
weep	wept	wept
win	won	won
wind	wound	wound
withdraw	withdrew	withdrawn
withstand	withstood	withstood
wring	wrung	wrung
write	wrote	written